

چالش‌ها، راهکار و ارائه الگوی اسلامی مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی در راستای تحقق اهداف مهارت‌آموزی مطلوب به مهارت‌آموزی.

## مورد مطالعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام

مهدی میرزایی<sup>۱</sup>؛ اسفندیار کرمی<sup>۲</sup>

**چکیده:** هدف این پژوهش، بررسی چالش‌ها، ارائه راهکارهای عملی و همچنین ارائه الگوی اسلامی در خصوص مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در جهت تحقق اهداف مهارت‌آموزی مطلوب به مهارت‌آموزان در استان ایلام است. این پژوهش، از نوع تحقیقات کاربردی و به شیوه کیفی و به صورت بررسی تحلیلی بوده که برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه از کارشناسان حوزه مالی، پشتیبانی و اداری در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استفاده شده است. در ادامه مشخص شد که مهم‌ترین چالش‌ها عبارت‌اند از: ۱- تمرکز، عدم استقلال مالی لازم و کافی و عدم تخصیص به‌موقع و عادلانه اعتبارات و منابع مالی به مراکز فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها ۲- عدم مشارکت فعال و همکاری لازم و کافی و به‌صورت سازمان‌یافته نهادها، اداره‌ها، سازمان‌ها و شرکت مرتبط در کمک و مساعدت‌های مالی و بودجه‌ای برای گسترش و تقویت امر مهارت‌آموزی ۳- عدم مشارکت فعال و همکاری سازمان‌یافته لازم و کافی برخی از والدین و خانواده‌های متمول و خیرین در کمک‌های مالی به امر مهارت‌آموزی فرزندان خود ۴- نبود ساز کارهای مشخص حمایتی مالی منظم و دائمی از مراکز، مدیران، مربیان و مهارت‌آموزان نظیر: ایجاد صندوق‌های مالی، تخصیص و پرداخت وام‌های کلان و خرد ۵- وجود سهم خواهی مای برخی از مدیران مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها از استان در جهت تخصیص و مصرف بیشتر اعتبارات و منابع مالی به مراکز تحت مدیریت آنان ۶- بالا بودن هزینه‌های جاری در برخی از رشته‌های مهارت‌آموزی نظیر: خرید اجناس و مواد اولیه، دستمزد هنرآموزان و مربیان، استهلاک، تعمیر، به‌روزرسانی و نگهداری وسایل و تجهیزات مربوط به کارگاه‌های مهارت‌آموزی ۷- نبود یک برنامه مدون سالانه در خصوص نیازسنجی واقعی، دقیق، جامع و علمی در خصوص نحوه تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی قبل از آغاز سال و تصویب رشته‌های مهارت‌آموزی مورد تقاضا و پرطرفدار مهارت‌آموزان. در ادامه ضمن ارائه راهکارها به ارائه الگوی مدیریتی اسلامی تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی بر مبنای اصل اعتدال و میانه‌روی از نوع پویا و پابرجا پرداخته شده است. در پایان باید گفت: که در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی باید به ۴ متغیر: ۱- تغییر نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و بینش‌های سنتی مالی و اقتصادی و پذیرش منطق اقتصادی-عقلانی در تصمیم‌گیری‌ها ۲- اصلاحات اداری، مالی و مدیریتی ۳- طراحی و تدوین اعتبارات و کفایت بهینه و اجرای مؤثر الگوی تخصیص ستانده-محور ۴- نظارت، ارزشیابی و ارائه آموزش‌های مناسب، مستمر و به‌روز مسائل اقتصادی و مالی به همه کارکنان اداری و آموزشی توجه نمود.

واژگان کلیدی: مدیریت تخصیص و مصرف، اعتبارات و منابع مالی، چالش‌ها، راهکارها، مهارت‌آموزی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد علوم تربیتی، آموزگار اداره آموزش و پرورش منطقه موسیان، استان ایلام mmirza1000@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس مهندسی صنایع، رئیس اداره موسسات کارآموزی آزاد و مشارکت‌های مردمی اداره کل آموزش فنی و

## مقدمه:

نظام آموزش فنی و حرفه‌ای<sup>۱</sup> ایران که با تقاضاهای روزافزون شهروندان برای دریافت انواع آموزش‌ها، کلاس‌ها و مهارت‌ها به صورت کیفی و کمی با کمبودهای شدیدی در زمینه تأمین اعتبارات و منابع مختلف مالی و سپس ناکارایی در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی<sup>۲</sup> اندک فعلی روبرو است که این اعتبارات و منابع بیشتر صرف تأمین و پرداخت حقوق نیروی انسانی شاغل اداری و آموزشی و خرید و نگهداری وسایل و تجهیزات مورد نیاز مهارت‌آموزی شده که سپس چالش‌های اساسی نظیر: عدم پوشش مهارتی صددرصدی، زیرساخت‌های ناکافی و غیراستاندارد و همچنین کیفیت پایین برخی از عناصر آموزشی و مهارتی منجر شده است. لذا مدیریت تخصیص و سپس مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی فعلی و بررسی چالش‌ها و راهکارها بسیار حیاتی بوده و به‌عنوان یک مسئله اساسی در زمینه برنامه‌ریزی و افزایش کمیت و کیفیت دوره‌های مهارت و مهارت‌آموزی‌ها<sup>۳</sup> به شیوه مطلوب به مهارت آموزان<sup>۴</sup> مطرح هست.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی هستند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند.

با پیچیده‌تر شدن وضعیت مشاغل بر اهمیت آموزش به‌خصوص آموزش‌های مهارتی و یادگیری مهارت‌های لازم افزوده می‌شود. از این رو لازم است سطح منابع مالی، بودجه‌ای مرکز آموزش مهارت پروری به همراه سطح توانایی و انطباق‌پذیری مهارت آموزان افزایش یابد. منظور از آموزش مهارت، آموختن عمل یا مجموعه‌ای از اعمال است که موجب می‌شود یادگیرندگان مهارت، دانش و منش لازم را برای انجام مهارت‌های می‌تواند به فضای به وجود

<sup>۱</sup>Technical & Vocational Education(TVE)

<sup>۲</sup>Finance Credit & Resources Allocation and Optimal Consumption (FCRAOC)

<sup>۳</sup>kill & Optimal Skills – Training

<sup>۴</sup>Trainer

آمدن تغییرات در ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و بینش مطلوب را به وجود آورد (مقصودی، ۱۳۹۳).

در کشور ما وظیفه تربیت نیروی انسانی ماهر در سه حوزه اصلی آموزش نیروی انسانی یعنی آموزش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی می‌باشد که سیاست‌های کلی نظام از قبیل سیاست‌های کلی اشتغال (بند ۲) بر آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار و توأم نمودن آموزش و مهارت تأکید دارد. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸، اعتبار هزینه‌ای امور آموزشی و پژوهشی کشور ۷۲۷/۴۷۴ میلیارد ریال بوده که نسبت به قانون مصوب ۱۳۹۷ رشد ۲۲ درصدی را نشان می‌دهد. فصل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با اعتبار ۶۱/۹۷۹ میلیارد ریال نیز ۱۹ درصد رشد داشته است. بر اساس این گزارش اعتبارات و منابع مالی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در مجموع ۱۲ درصد رشد نسبت به بودجه سال ۱۳۹۷ داشته و از ۷/۴۷۵/۷۰۰ میلیون ریال به ۸/۳۸۹/۵۵۳ رسیده است. همچنین در این گزارش اعتبارات آموزش‌های مهارتی کل کشور در سال ۱۳۹۸، افزایش ۹ درصدی داشته است. در این گزارش وجود اعتبارات متفرقه گسترده در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یک چالش اساسی به شمار رفته است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸).

در قانون برنامه ششم توسعه در مواد (۴، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶ و ۶۹) احکامی در ارتباط با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مقرر شده و ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از جمله مقررات این احکام است که جا دارد بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ اعتبارات مالی لازم از سرجمع اعتبارات فصل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تشکیل شورای عالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی در نظر گرفته شود که یکی از مباحث اصلی این شورا هم مدیریت تخصیص و مصرف اعتبارات و منابع مالی است.

با توجه به اینکه اعتبارات و منابع مالی و بودجه‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درون‌دادهای نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به شمار می‌آید و نقش مهمی در کمیت و کیفیت محتوا و برنامه‌های

مهارت‌آموزی در آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان مهم‌ترین فرایند دارد، بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی چالش‌ها و راهکارهای مدیریت درزمینه<sup>۱</sup> تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی<sup>۲</sup> در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام<sup>۳</sup> می‌باشد و حال پرسشی که مطرح می‌شود این است بعد از بررسی و مشخص شدن چالش‌ها و دست یافتن به راهکارها برای رفع و یا کاهش چالش‌ها، چگونه و با چه الگو یا الگوهای بدیع می‌توان تخصیص و مصرف منابع مالی را به‌صورت مطلوب و متناسب با چشم‌انداز و اهداف مهارت‌آموزی مطلوب به فراگیران، مدیریت نمود و به اهداف و مقاصد مورد انتظار درزمینه<sup>۴</sup> مهارت‌آموزی برای مهارت‌آموزان رسید و مشکلات و مسائل روز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌ویژه در حوزه مهارت‌آموزی را کاهش داد.

در ادامه باید گفت: که مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی محدود فعلی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای نیازمند تغییر دیدگاه‌ها و تفکرات سنتی مالی، توجه به نقش منابع مالی در رسیدن به اهداف غایی و اجرایی فنی و حرفه‌ای از جمله مهارت‌آموزی و توجه به نقش کارکردی امور و منابع مالی در بهبود امور مختلف آموزشی و مهارتی و به کار بردن الگوهای متنوع و علمی مالی - اقتصادی به‌صورت عملی می‌باشد.

#### بیان مسئله، ضرورت و اهمیت آن:

آموزش‌های مهارتی به‌عنوان یکی از ارکان توانمندسازی سرمایه انسانی، امکان ثروت آفرینی و قابلیت دسترسی همگان را در خصوص تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآفرین و مهارت پرور، متناسب با استعدادها و نیازهای بازار کار توامان با استفاده بهینه از ظرفیت‌های بخش‌های مختلف بومی اعم از دولتی و غیردولتی را فراهم می‌سازد. یکی از بندهای سند راهبردی مهارت و فناوری آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، توسعه و ارتقای بهره‌وری منابع مالی است. تخصیص و توزیع مناسب و کارایی منابع مالی و بودجه‌ای با نگاهی

<sup>۱</sup>Challenges & Alternative

<sup>۲</sup>Finance Credits & Resources Allocation and Optimal Consumption Management (FCRAOCM)

<sup>۳</sup>TVE Centers of Ilam Province

به برنامه‌های اجرایی سازمان جهت نیل به اهداف متعدد از جمله مهارت‌آموزی می‌تواند اهداف را محقق ساخته و سند راهبردی مهارت و فناوری که بندهایی از آن بر امور مالی و بودجه‌ای هم تأکید دارد نیازمند تخصیص بهینه نظام مالی و بودجه‌ای و مصرف صحیح آن در راه رسیدن به جامعه هدف و نیاز واقعی استان‌ها و شهرستان‌ها است.

آموزش‌های مختلف فنی و حرفه‌ای با توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی این امکان برای آموزش دیدگان فراهم می‌نماید که هم سویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی فراهم گردد. در این راستا آموزش‌ها و ارائه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به دلیل توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی همواره موجب تشکیل سرمایه انسانی از طریق افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده وظایف شغلی آن‌ها شده است (نگین تاجی و زمان زاده، ۱۳۹۴).

امروزه مراکز فنی و حرفه‌ای با تهدیدها و محدودیت‌هایی همچون: نگرش منفی در بین بعضی آحاد جامعه از جمله اولیاء و مسئولان، جهانی شدن و تأثیر در پیدایش سریع نیازهای مهارتی، شیب تند سرعت در تغییرات، تأثیر شدید فرهنگ‌های بیگانه، کاهش فرصت‌های شغلی معمول، عدم سرمایه‌گذاری و ارتباط با بخش صنعت، نابرابری در دستیابی به فرصت‌های مهارتی و شغلی، تمرکز تصمیم‌گیری، کمبود تجهیزات و نبود به‌روزرسانی تجهیزات کارگاهی و فقدان آموزش‌های مناسب ضمن خدمت برای نیروی انسانی مواجه است (کاوسی، ۱۳۹۶).

اصطلاح تأمین منابع مالی در مراکز فنی و حرفه‌ای به فرایندی اطلاق می‌شود که به وسیله آن درآمدهای مالیاتی و دیگر منابع به منظور اداره مرکز فنی و حرفه‌ای تأمین می‌شود و نیز طی آن این منابع در مناطق جغرافیایی مختلف به مراکز فنی و حرفه‌ای برای مصرف تخصیص داده شده و انواع آموزش‌ها و مهارت‌آموزی‌ها را در رشته‌ها و سطوح مختلف، را دربرمی‌گیرد. از مرسوم‌ترین شاخص معیار کفایت منابع مالی، درصدی از تولید ناخالص ملی است که به مصرف در زمینهٔ سطوح مختلف آموزش و مهارت‌آموزی در مراکز فنی و حرفه‌ای می‌رسد و

یا سهمی از بودجه عمومی دولت مرکزی که برای نرخ آموزش و مهارت‌آموزی مصرف می‌شود، که این بودجه بیانگر تخصیص ناکافی منابع مالی برای مصرف بوده و بسیاری از مراکز فنی و حرفه‌ای را با مشکلات و محدودیت‌های مالی جدی در تحقق اهدافشان از جمله مهارت‌آموزی فراگیران روبرو کرده است.

آموزش‌های مهارت محوری تحت تأثیر عوامل محیطی مختلفی قرار دارد که شامل: تکنولوژی و رسانه ( فناوری‌های جدید با فراهم آوردن فرصت‌های مناسب برای تشخیص استعدادها، علایق و تفکر خلاق فراگیران بسیار مفیدند)، عوامل اجتماعی- فرهنگی ( اشاره به عدم رویکرد مثبت جامعه به آموزش‌های مهارتی دارد)، عوامل اقتصادی (عدم حمایت لازم دولت به این آموزش‌ها که تبلور آن در اعتبارات تخصیصی به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای قابل مشاهده است و همچنین حقوق و دستمزد پایین مربیان این سازمان) و درنهایت عوامل سیاسی ( که به‌عنوان محدودیت‌های فکری و اجتماعی می‌باشد. رکودهای زمینه‌ای و زیرساختی از پیامدهای اصلی عوامل سیاسی به شمار می‌روند) (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

امروزه تأمین و تخصیص منابع مالی و به دنبال آن نحوه صحیح مصرف آن در نظام‌های آموزشی از جمله فنی و حرفه‌ای در سراسر جهان خصوصاً در کشورهای درحال توسعه با بحران‌های جدی روبرو است، زیرا از یک‌سو افزایش تقاضا برای آموزش و کسب مهارت از طریق رشد نسبی جمعیت، گرایش خانواده‌ها به فراهم کردن انواع آموزش‌ها و مهارت‌ها برای فرزندان خود، بیکاری بسیاری از تحصیل‌کردگان دانشگاهی رشته‌های نظری و غیر مهارتی، درآمد نسبتاً بیشتر افراد باسواد و تحصیل‌کرده و مهارت آموز، تأکید بر برخورداری از حقوق اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، رشد پدیده جهانی شدن، رشد روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربرد و استفاده آن در زندگی روزمره افراد و از همه مهم‌تر طرز دیدگاه‌ها و نگرش‌ها به آموزش‌ها و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین محدودیت در تأمین منابع مالی و کسری بودجه دولتی به مراکز فنی و حرفه‌ای و به دنبال آن ضعف در تخصیص و مصرف بهینه و اصولی در نظام‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای این معضل را حادتر نموده است.

سازمان یونسکو، در آخرین مطالعه‌ای به منظور تخصیص منابع مالی، آموزشی و پژوهشی که در قاره آفریقا در سال ۲۰۱۱ انجام داد، نتایجش نشان داد که مدیریت تأمین، تخصیص و توزیع منابع مالی برحسب نوع مهارت و تحصیلات باید باشد و ترغیب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در جهت توسعه نظام‌های آموزشی و مهارتی مهم بوده و برای افزایش کیفیت باید حقوق مربیان مراکز آموزشی و مهارت‌آموزی را افزایش داد.

منابع مالی و بودجه‌ای دو وظیفه اساسی در مراکز فنی و حرفه‌ای دارند، یکی به‌عنوان نهاده‌ی آموزشی و دیگری ابزار سیاست‌گذاری. باید توجه نمود که ساز کار تخصیص بهینه منابع مالی به‌منزله یک ابزار مدیریتی و راهبردی توانمند و مؤثر می‌تواند بخش اساسی از مسائل را حل کند.

امروزه اهمیت، نقش و ارزش مدیریت تخصیص و مصرف بهینه و معقول منابع مالی در نظام‌های مختلف آموزشی مختلف را می‌توان شامل مواردی همچون: برنامه‌ریزی آموزش محور بر اساس بازده‌های مالی و بودجه‌ای، برنامه‌ریزی استراتژیک، ارتقاء و رشد اثربخشی و کارایی کارکنان، عبور از محدودیت‌های مالی و اداری، غلبه بر چالش‌ها به‌وسیله اداره مهارت‌های مالی و اقتصادی بهینه، مدیریت ستادی امور مالی مرکز آموزشی و مهارتی، ایجاد سیستم و فرایندهای مالی در طول روند هر مرکز آموزشی و مهارتی که این روند باید از سمت تخصیص منابع به‌سوی فعالیت‌ها، بازده‌ها و اثرات مطلوب و مورد تقاضای جامعه و بازار کار حرکت نماید (لیاگ، ۲۰۱۸).

تخصیص بهینه منابع مالی برای دوره‌های کارآموزی و یا مهارت‌آموزی نیاز به بررسی دقیق برنامه‌های عملیاتی و آموزشی هر سازمانی دارد. علاوه بر این باید تعداد مهارت آموزان و علایق شغلی و مهارتی آنان، تسهیلات و سرمایه‌گذاری اولیه و تعداد دوره‌های مهارت‌آموزی

توجه نمود و سعی در حل چالش‌ها و مدیریت ارتقاء و بهره‌وری منابع مالی برای آموزش، کارآموزی و مهارت‌آموزی داشت (سادویلی، ۲۰۱۵).

در عصر جدید، اصلاحات مدیریت تخصیص منابع در نظام‌های آموزشی در جهت تمایل را راهکار تغییرات و فرایندهای تصمیم‌گیری دارد و توجه خود را به مشارکت حداکثری مالی و استفاده از دیدگاه‌های غیر محافظه‌کارانه جلب کرده است و رویکرد موفق جدید، تمرکز بر تطبیق و کوچک کردن وظایف، استفاده از نظرات مشاوران مالی و الزامات آن در آینده برای نظام‌های آموزشی و مهارت پرور دارد. با توجه به مطالب گفته‌شده مسئله تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی در مراکز فنی و حرفه‌ای که با محدودیت‌های مالی مواجه است، نیاز به مدیریت این امر و شناخت چالش‌ها و ارائه راهکارها و الگوی مدیریتی با توجه به اهمیت مبحث مهارت‌آموزی به فراگیران به‌عنوان یکی از اهداف اصلی مراکز فنی و حرفه‌ای بسیار مهم بوده که این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است.

### اهمیت تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی در دین مبین اسلام:

جهت‌گیری کلی رهنمودهای آیات و روایات اسلامی توجه به مدیریت تعدیل منابع و درآمدهای شخصی در جهت افزایش مشارکت‌های اجتماعی و کاستن از ادامه اسراف، تبخیر و اطراف (مخارج ناروا) بوده و تخصیص منابع و درآمد از سمت مصرف‌های شخصی به‌سوی مصارف عمومی می‌باشد.

« و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما. » و کسانی هستند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو (روش) حد وسط را برمی‌گزینند (فرقان/۶۷).



رفتار تخصیص منابع مختلف از جمله درآمدهای مالی انسان، مانند دیگر رفتارهای وی ریشه در جهان‌بینی و نوع نگرش وی درباره ماهیت انسان و سنت‌های حاکم بر جهان هستی دارد. در این بین اصول و مبانی اعتقادی، الگوی مطلوب تخصیص منابع و درآمد و سپس مصرف آن‌ها را در اسلام می‌توان شامل: باور به آخرت، همبستگی اجتماعی و برادری دینی و مالکیت خداوند دانست (حسینی، ۱۳۸۸).

بحث مخارج بهینه مصرفی که یکی از مهم‌ترین ابعاد تخصیص منابع است در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در آیات سوره‌های مائده (۸۸/۸۷)، انعام (۱۴۵)، سبا (۱۵)، نحل (۱۱)، طه (۸۱) و بقره (۱۷۲) به این امر مهم و اساسی اشاره شده است.

تخصیص منابع از سوی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در سه جهت عمده بوده است که عبارت‌اند از: ایجاد رفاه و از میان بردن فاصله طبقاتی، توانمند نمودن مسلمانان از نظر نیرو و عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی (مرسلپور و جم، ۱۳۹۷).

بنابراین باید گفت: کارکردهای مطلوب تخصیص اعتبارات و منابع و سپس مصرف بهینه آن از نظر اسلام می‌تواند شامل: ایجاد و ارتقاء رفاه اقتصادی، برقراری و ارتقاء عدالت اجتماعی و در نهایت تکامل معنوی انسان و یا هر نهاد و سازمانی. در این بین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از متولیان اصلی اشتغال، تولید و بهره‌وری برای انسان و جامعه هم در این زمینه بسیار مهم می‌باشد.

تخصیص بودجه و منابع مالی در دولت اسلامی باید بر اساس معیارهای نیاز، کار، مصلحت، کارایی و عدالت صورت گیرد. یکی از مسائل مهم دیگر در این زمینه، اولویت‌بندی معیارها در صورت بروز مزاحم در تخصیص بودجه و منابع مالی است. در این مورد می‌توان به مواردی چون: تقدم عدالت بر کارایی و اولویت مصالح اجتماعی بر مصالح فردی اشاره کرد (خلیلیان اشکذری و آزادی، ۱۳۹۳).

در اینجا باید گفت: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای که با نیازهای روزافزون کار و وظایف متنوع و سنگین در جهت مصلحت اجتماعی، اشتغال، توسعه و بهره‌وری جامعه حرکت

می‌کند، برای کارایی خود نیاز به عدالت در تخصیص اعتبارات و منابع مالی از سوی دولت و حکومت اسلامی دارد تا بتواند اهداف سیاست‌های مالی خود را بر سرمنزل مقصود برساند و هم در سطح ملی و بین‌المللی درخشان‌تر شود. در این زمینه دولت و حکومت اسلامی می‌بایست در تخصیص و مصارف بودجه و منابع مالی و درآمدی خود یعنی: زکات، خمس، خراج، جزی، فی، انفال، مالیات و سایر درآمدها (موقوفات عام، استقراض و کفارات) اماکن، تشکیلات، تأسیسات، کارگاه‌ها، تجهیزات و نیروهای اداری و آموزشی را در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای مدنظر قرار دهد.

### هدف اصلی:

هدف کلی از این پژوهش، بررسی و شناخت چالش‌ها و ارائه راهکارها برای کاهش چالش‌ها و ارائه الگوی مدیریت اسلامی در زمینه تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی در مراکز فنی و حرفه‌ای استان ایلام در راستای تحقق اهداف مهارت‌آموزی مطلوب به فراگیران می‌باشد.

### پرسش‌ها یا فرضیه‌ها:

پرسشی که مطرح می‌شود این است که بعد از بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارها، چگونه و با چه الگو یا الگوهایی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی باشد، می‌توان منابع مالی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای را به شیوه‌ای مطلوب و علمی مدیریت، تخصیص و مصرف نمود؟ پژوهشگر حاضر نیز به ارائه الگوهای مدیریتی بدیع اولیه و ثانویه در این زمینه می‌پردازد. همچنین فرض می‌شود که الگوی پیشنهادی ثانویه پژوهشگر حاضر، می‌تواند به صورت علمی، اجرایی و عملی در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی بکار برده شود.

### پیشینه پژوهش:

مدیریت در زمینه تخصیص و مصرف بهینه منابع محدود مالی در نظام‌های آموزشی از جمله فنی و حرفه‌ای در سراسر جهان همواره موردعلاقه پژوهشگران و مدیران در این حوزه بوده

است و تحقیقات متنوعی در زمینه بررسی چالش‌ها و راهکارهای مدیریتی در این خصوص انجام گرفته است.

انتظاری و محبوب (۱۳۹۲)، پژوهشی در زمینه تخصیص منابع مالی برحسب عرضه و تقاضای آموزشی انجام دادند. نتایج نشان داد که رویکردهای عرضه و تقاضای آموزشی نقش مهمی در تخصیص مناسب منابع مالی عمومی دارند، هرچند که تخصیص منابع مالی بر اساس مذاکرات، چانه‌زنی‌ها، میزان نهاده‌ها و هزینه سرانه آموزش گیرندگان تأثیرگذارتر است.

نگین تاجی و زمان زاده (۱۳۹۴)، پژوهشی در خصوص تدوین الگوی بهینه بودجه‌بندی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور انجام دادند و نتایج نشان داد که در تدوین و تخصیص منابع مالی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای هر استان می‌بایست ۵ متغیر یعنی نرخ بیکاری، تعهدات آموزشی، تعداد مربی هر مرکز، تعداد کارکنان اداری و تعداد کارگاه‌های آموزشی و مهارتی) خرید، تأمین و یا هزینه‌های تعمیر تجهیزات) توجه نمود.

مقیمي و همکارانش (۱۳۹۷)، در مورد آموزش‌های مهارت محور الگویی ارائه دادند. نتایج این الگو نشان داد که کسب مهارت و مهارت‌آموزی با مقوله اصلی یعنی تخصیص اعتبارات و منابع مالی به‌موقع به مراکز آموزش مهارت در ارتباط مستقیم بوده و علاوه بر این، منابع انسانی، منابع آموزشی، شرایط و وضعیت مرکز آموزش، سازمان و خانواده در ارتباط تنگاتنگ با مهارت آموزی قرار دارند.

بولینا<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، پژوهشی جامع و دقیق در خصوص نحوه تأمین منابع مالی در ۱۰۰ کشور در حال توسعه یافته در خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که مدیریت تأمین و تخصیص منابع مالی این کشورها به‌شدت تحت تأثیر بودجه‌های مصوب دولت مرکزی داشته و مدیران اختیارات در حد کمی دارند و مدیران در خصوص مهارت آموزان فعلی و یا پیگیری اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان در نحوه تأمین و تخصیص منابع در شک و تردید بودند. همچنین باید عقلانیت، نیازسنجی، مشتری مداری، به‌روزرسانی،

<sup>۱</sup>Bolina, P

تخصیص به‌موقع، خوش‌بینی، ریسک‌پذیری و آینده‌نگری را مدنظر داشته تا بتوانند محیط مطلوب مهارت‌آموزی را برای مهارت‌آموزان و متقاضیان هر چه بهتر فراهم سازند.

آدن و همکارانش (۲۰۰۲)، در خصوص تخصیص بودجه بهینه برای مراکز آموزشی انجام داد. نتایج آن نشان داد که استراتژی توسعه تخصیصی در سیستم‌های آموزشی تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود عملکرد فراگیران دارد و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی باید در نظر قرار دارد و این مسئله به تخصیص منابع مالی در بین مراکز آموزشی بپردازند.

هویکل (۲۰۰۸)، پژوهشی در خصوص هزینه‌ها و منافع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام داد. در قسمتی از این پژوهش به بررسی نحوه تخصیص منابع مالی برای بهبود مهارت‌آموزی در متقاضیان پرداخته شده بود. مشخص شد که در تخصیص منابع مالی باید به شرایط فردی، اشتغال و جامعه توجه نمود و مداخلات و حمایت‌های دولتی، بازدهی اشتغال مهارت‌آموزان، میزان شهریه، چگونگی استهلاك منابع و وسایل مصرفی کارگاه‌ها را مدنظر قرار دارد و به اولویت‌بندی از نظر اهمیت مالی و بازدهی کارایی و اثربخشی هزینه - فایده پرداخت.

زاهو هیویی<sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، پژوهشی در زمینه نکات کلیدی و مهم در زمینه تخصیص عادلانه منابع مالی در نظام‌های مختلف آموزشی و مهارتی کشور چین انجام داد. در پایان مشخص شد که در تخصیص منابع مالی - آموزشی باید به اهمیت اثربخشی تخصیص منابع، نیازسنجی و امکان‌سنجی مساعدت و یا مشارکت والدین، توازن توزیع منابع، نظارت و ارزشیابی نامحدود، دادن اختیارات به مدیران و مربیان مراکز، تطابق با محیط و بررسی رفتارهای مطلوب مالی - اقتصادی جامعه هدف و نیاز بازار داخلی و خارجی، توجه ویژه‌ای داشت.

لینچ (۲۰۱۶) در کشور انگلستان در زمینه روندهای جدید تخصیص و مصرف منابع مالی در نظام‌های آموزشی پژوهشی انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که اصلاحات جدید منابع مالی در زمینه برنامه‌های تخصیص و مصرف منابع مالی آموزشی بر روی نابرابری‌های

<sup>۱</sup>Odden, A. et al

<sup>۲</sup>Hoeckel, K

<sup>۳</sup>Zhaohui, C

<sup>۴</sup>Lynch, M

عملکردی و مهارتی در بین فراگیران به‌ویژه تأثیر مهمی داشته و باعث کاهش آسیب‌های مختلف در آنان شده است و توجه ویژه‌ای به رشته‌ها و نیازهای خاص و کاهش فقر و بیکاری و کمبودها و محرومیت‌های آموزشی و مهارتی آنان شده است. همچنین مشخص شد که توزیع تمام‌وقت منابع و امکانات، تقویت خدمات آموزش مالی به مدیران و مربیان، ارائه الگوهای هدایت آموزشی و مهارتی در زمینه تخصیص و مصرف مطلوب منابع مالی به کارکنان، کسب صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مالی و پولی مدیران مراکز، تعیین سطح‌بندی واقعی و دست‌یافتنی انتظارات مالی در زمینه داده-ستانده در نظام‌های آموزشی و مهارتی در جهان می‌تواند موضوع تخصیص و مصرف منابع مالی را برای همگان به‌صورت مطلوب فراهم‌تر کند.

در پایان می‌توان گفت: پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر تمرکز بر روی مواردی نظیر: کاهش نابرابری‌ها، ایجاد سازوکارهای مدیریتی تخصیص و مصرف منابع مالی، نیازسنجی، امکان‌سنجی، تصویب قوانین، کمبود منابع مالی و نحوه چگونگی صحیح مصرف، فرایندهای تصمیم‌گیری، مشارکت حداکثری مدیران، مربیان و سایر آحاد مردم در تأمین، تخصیص و مصرف منابع مالی در مراکز فنی و حرفه‌ای و ضرورت تغییرات راهبردی در مدیریت و تخصیص منابع مالی تأکید داشته‌اند و بین نتایج تحقیقات صورت گرفته داخل و خارج از کشور، همخوانی نسبی وجود داشته است. البته باید اشاره کرد که کار جامع و گسترده‌ای که تمرکز خاص و ویژه خود را بر نحوه مدیریت و تخصیص بهینه مالی مراکز فنی و حرفه‌ای شود در کشور مشاهده نگردید و فقط نگین تاجی و زمان زاده (۱۳۹۴) در خصوص تدوین الگوی بودجه‌بندی مراکز فنی و حرفه‌ای کارکرده بودند. جا دارد با توجه به زیربنایی بودن و حساس بودن بحث منابع مالی به‌عنوان درونداد مهم فنی و حرفه‌ای، تحقیقات بیشتری صورت گیرد، که این پژوهش به دنبال این مسئله است.

## روش‌شناسی پژوهش:

هدف کلی از این پژوهش بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارها در زمینه مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی (نمونه موردی: مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام) متناسب با چشم‌انداز و اهداف مهارت‌آموزی فراگیران در این ارتباط می‌باشد. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی<sup>۱</sup> و به شیوه کیفی<sup>۲</sup> و به صورت میدانی و بررسی تحلیلی<sup>۳</sup> می‌باشد. جامعه آماری هم کل نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ایران بوده و نمونه مورد نظر هم مراکز فنی و حرفه‌ای در استان ایلام در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و با استفاده از مصاحبه<sup>۴</sup> از کارشناسان حوزه مالی، پشتیبانی و اداری در سطح استان ایلام صورت گرفته است. سؤالات مصاحبه هم به صورت کلی و باز پاسخ، در زمینه مهم‌ترین چالش‌های تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بوده است.

## بحث و بررسی:

در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های هفت‌گانه مدیریت تخصیص اعتبارات و منابع و مصرف آن در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان ایلام اشاره می‌شود:

۱- تمرکز منابع، عدم استقلال لازم و کافی مالی و عدم تخصیص به‌موقع و عادلانه برخی از اعتبارات و منابع مالی به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها در جهت مصرف بهینه و به‌موقع اعتبارات و منابع.

۲- عدم مشارکت و همکاری و همچنین پشتیبانی لازم و کافی از سوی برخی از نهادها ، ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با گسترش مهارت‌آموزی نظیر: وزارت صنعت، معدن و تجارت، آموزش و پرورش و دیگر نهادها در زمینه مساعدت و کمک‌های مالی برای افزایش کمیت و کیفیت مهارت‌آموزی متقاضیان و فراگیران.

<sup>۱</sup>Applied Research

<sup>۲</sup>Quality Method

<sup>۳</sup>Analysis Survey

<sup>۴</sup>Interview

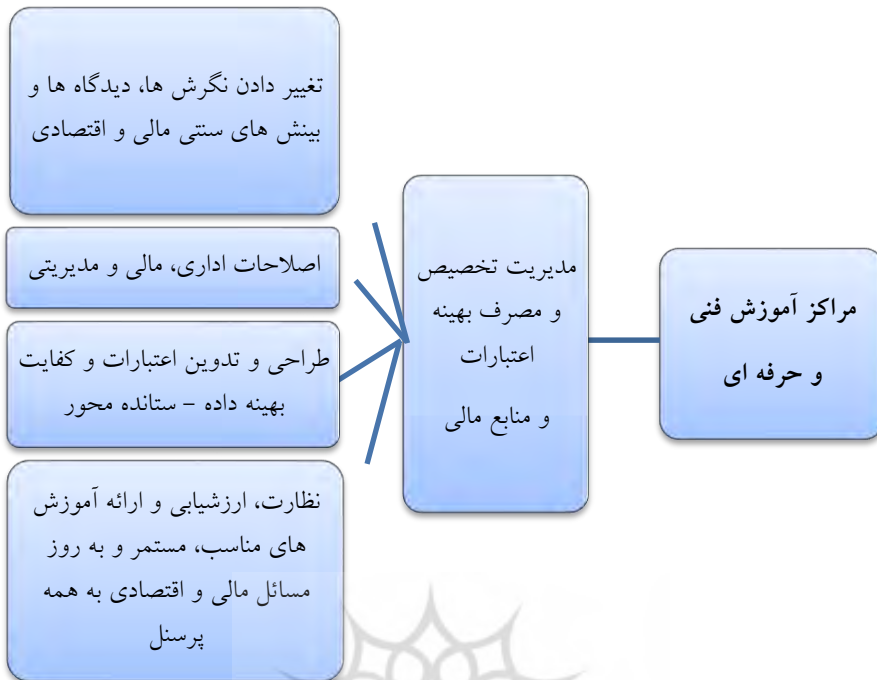
۳- عدم مشارکت و همکاری لازم و کافی برخی از خانواده‌های متمول و نبود خیرین سازمان‌دهی شده در جهت کمک‌های مالی و پشتیبانی از مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه در مورد افزایش کمیت و کیفیت مالی برای مهارت‌آموزی.

۴- نبود ساز کارهای مشخص حمایتی و مالی منظم و دائمی از مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، مدیران، مربیان و مهارت‌آموزان نظیر: ایجاد صندوق‌های مالی، تخصیص و پرداخت وام‌های کلان و خرد.

۵- وجود سهم خواهی مای برخی از مدیران مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها از استان و تلاش برای تخصیص و مصرف منابع مالی و کالبدی بیشتر برای مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خود در جهت پیشبرد در تخصیص و مصرف سریع‌تر و راحت‌تر برای امور و هزینه‌های جاری.

۶- بالا بودن هزینه‌های جاری در برخی از رشته‌های مهارت‌آموزی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها نظیر: خرید اجناس و مواد اولیه، استهلاک، تعمیر، به‌روزرسانی و نگهداری وسایل و تجهیزات مربوط به کارگاه‌های مهارت‌آموزی.

۷- نبود یک برنامه نیازسنجی واقعی، دقیق، جامع و علمی در خصوص نحوه تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات منابع مالی قبل از آغاز هر دوره مهارت‌آموزی برای مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با توجه به افزایش یا کاهش تقاضای مهارت‌آموزان و نیروی‌های آموزشی، وسایل و تجهیزات استهلاکی صورت نمی‌گیرد و این مسئله مشکلات و مسائلی از نظر عدم تخصیص و مصرف بهینه منابع و اعتبارات ایجاد می‌کند.



### الگوی مفهومی اولیه پژوهش

با توجه به شناسایی چالش‌ها، این الگو اولیه نشان می‌دهد که در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی ابتدا باید به تغییر دادن نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و بینش‌های سنتی مالی و اقتصادی و پذیرش منطق اقتصادی - عقلانی در تصمیم‌گیری‌های مالی و منابعی، اصلاحات اداری، مالی و مدیریتی به صورت کوچک‌سازی باهدف چابک‌سازی، طراحی و تدوین نحوه اعتبارات و کفایت‌های مالی بهینه و اجرای مؤثر الگوی تخصیص منابع داده و ستانده محور و در نهایت نظارت و ارزشیابی و ارائه آموزش‌های مناسب، مستمر و به‌روز به همه نیروهای اداری و آموزشی و سایر دست‌اندرکاران در سطح کلان و خرد، به صورت آموزش‌های مجازی و حضوری توجه کرد تا بتوان بر چالش‌ها غلبه نمود.

بر اساس مباحث مطرح‌شده، مسئله تخصیص منابع مالی و به دنبال آن مصرف بهینه همین اعتبارات و منابع مالی اختصاص‌یافته، نیاز به ساز کار مدیریتی واحد و اساسی دارد که با توجه



به کمبود اعتبارات و منابع مالی مراکز فنی و حرفه‌ای در بودجه عمومی دولت در تخصیص و افزایش نحوه مصرف و نبود یک الگوی واحد مصرفی در نظام فنی و حرفه‌ای ایران در کل و در مراکز فنی و حرفه‌ای استان ایلام در خرد، چالش‌هایی ایجاد می‌شود که نیاز به تحلیل و ارائه راهکارهایی اجرایی دارد. در تحلیل یافته‌ها باید گفت: استان ایلام که دارای چالش‌های متعددی در زمینه مالی و اعتباری هست که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد. نتایج اولیه نشان می‌دهد که برای تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی موجود در مراکز فنی و حرفه‌ای استان ایلام، نیاز به تغییر دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و تفکرات مالی از یک‌طرف و سهم خواهی معقولانه و بهینه بیشتر منابع مالی از مراجع استانی، سازمانی و وزارتی و توجه به ابعاد مالی و اقتصادی موجود برای حل مسائل و ارتقای کمیت و کیفیت مهارت‌آموزی فراگیران و متقاضیان دارد که همین منابع موجود مالی کم را به صورت صحیح، علمی و اصولی تخصیص داد و ضمن مصرف صحیح آن، به‌طور علمی و عملی مدیریت نمود و بتوان مهارت‌آموزی را متناسب با اعتبارات و منابع مالی تخصیصی و مصرفی در مهارت آموزان هر مرکز به شکل مطلوب نیازسنجی، اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی و آموزش داد. در ادامه به مهم‌ترین راهکارها برای رفع یا کاهش این چالش‌ها اشاره می‌شود:

۱- در مورد چالش اول، توجه به ایجاد راهکار خلاقیت و نوآوری‌های یکپارچه و هماهنگ از جمله: تشکیل بانک اطلاعات پولی و مالی<sup>۱</sup> و سیستم یکپارچه فناوری اطلاعات و ارتباطات محلی و استانی<sup>۲</sup> در مورد تخصیص اعتبارات و منابع مالی در فنی و حرفه‌ای در جهت چابک سازی ستادی و مدیران کل در استان‌ها در خصوص تخصیص و مصرف بهینه، به‌موقع، ساده، متنوع، متوازن و اثربخش اعتبارات و منابع مالی که می‌تواند موجب تحقق اهداف در این زمینه باشد. در غیر این صورت، تمرکز منابع و درآمدها، عدم توازن و عدم تخصیص به‌موقع اعتبارات و منابع مالی، می‌تواند منجر به کمبود و یا ازدیاد منابع و درآمدها در بخش‌های

<sup>۱</sup>Finance & Money Information Bank(FMIB)

<sup>۲</sup>Local & Province Information & Communication Technology Integration System(LPICTIS)

مختلف مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شده و باعث کاهش کارایی و اثربخشی در انجام وظایف محوله و نارضایتی را در نیروهای اداری و آموزشی به وجود آورده و این مسئله اثرات مهمی بر روی خدمت‌رسانی، ارائه مهارت‌ها به متقاضیان، روند اشتغال و کارآفرینی در جامعه و در بین مردم برجای گذاشته و باعث کاهش ارزش و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی هم می‌شود.

۲- در مورد چالش دوم، توجه به راهکار افزایش روحیه کار مشارکتی و جمعی<sup>۱</sup> و همچنین تقویت دیپلماسی اقتصادی- مهارتی<sup>۲</sup> با سایر نهادها، ترجمان‌ها، دستگاه‌ها و سازمان‌های دیگر، استفاده از خدمات سازمان‌های غیردولتی<sup>۳</sup> (مردم‌نهاد)، امضا و بستن قراردادهای مالی هدفمند از طرف سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با پشتیبان‌های مالی و تبلیغاتی<sup>۴</sup> و درنهایت افزایش مالیات‌ها<sup>۵</sup> از نهادها، ارگان‌ها، دستگاه‌ها و سازمان‌های دیگر و تخصیص منابع حاصل از آن به آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌آموزی و همچنین اطلاع‌رسانی لازم و بهینه در جهت دریافت کمک‌ها و اعتبارات مالی به آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند مؤثر باشد. این امر هم نیازمند ایجاد سامانه‌های مالی و اطلاع‌رسانی یکپارچه فنی و حرفه‌ای برای افزایش مشارکت نهادها، ترجمان‌ها و سازمان‌های دیگر برای تأمین بخشی از هزینه‌های مالی مربوط به مهارت‌آموزی می‌باشد.

۳- در مورد چالش سوم، باید به اصل و راهکار مهم یعنی گفتمان سازی<sup>۶</sup> با آحاد مردم، خانواده‌ها، واقفیم و خیرین که می‌توانند زمینه تحقق اهداف مالی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را فراهم سازند توجه کرد. همچنین به راهکارهایی همچون: تشکیل «مجمع خیرین اقتصاد ساز آموزش فنی و حرفه‌ای»<sup>۷</sup> می‌توان اقدام نمود و علاوه بر این، می‌توان به ایجاد سامانه مرکزی مالی و یا ایجاد حساب اقتصادی ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای امور (عمرانی و جاری) برای چابک سازی، سهولت و مشارکت عمومی بهتر مردم، واقفیم و خیرین و

<sup>۱</sup>Cooperative & Group Action Moral

<sup>۲</sup>Skill & Economic Diplomacy

<sup>۳</sup>Non- Government Organizations(NGO)

<sup>۴</sup>Propaganda & financial Sponsors

<sup>۵</sup>Tax Increase

<sup>۶</sup>Specking

<sup>۷</sup>TVE Construct Economics Voluntary Association(TVECEVA)

جداسازی آن از حساب‌های عمومی و اداری دیگر اقدام نمود و علاوه بر این به ایجاد سامانه‌های مالی برای دسترسی راحت‌تر و کمک عمومی مردم، واقفیم و خیرین اقدام می‌توان کرد. همچنین می‌توان به برگزاری جلسات صمیمانه و چهره به چهره با مردم، واقفین و خیرین هم اشاره نمود.

۴- در مورد چالش چهارم، باید به راهکار ارائه سیستم یکپارچه و واحد تخصیص اعتبارات و منابع مالی و اصلاح الگوی مصرف بهینه<sup>۱</sup> در بخش‌ها و زیرمجموعه‌های مختلف سازمان، ادارات کل و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای اشاره نمود، که این مسئله نیازمند به طراحی سند و منشوری واحد و هماهنگ با دیگر نهادها و ارگان‌های درگیر امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، خاص موضوع مهارت و مهارت‌آموزی می‌باشد که باید شرایط آموزشی، اداری، جغرافیایی، جمعیتی، منطقه‌ای، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و موقعیتی و ویژه هر استان، شهرستان و یا منطقه را در آن لحاظ کرد که این امر مستلزم تصویب قوانین و همکاری از سوی نهادهایی همچون: هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، وزارت کشاورزی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی اشتغال، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای نگهبان و... است.

۵- در مورد چالش پنجم، می‌توان به راهکارهایی نظیر: طرح رتبه‌بندی تخصیص و مصرف اعتبارات و منابع مالی<sup>۲</sup> بر اساس شاخص‌ها و امتیازات مربوطه انسانی، آموزشی و مهارتی مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، نوع منبع و پرداخت‌ها، حرفه‌ای‌گرایی باهدف مهندسی منابع مالی و عدالت منابعی و اقتصادی، ایجاد صندوق‌های رفاه مراکز فنی و حرفه‌ای و یا صندوق رفاه مریبان و مهارت آموزان اشاره نمود که می‌تواند جلوی بسیاری از سهم خواهی‌ها را در هنگام تخصیص منابع بگیرد. این امر می‌تواند حمایت‌های مالی دولتی و غیردولتی جلب کرده و بسیاری از معضلات و کمبودهای منابعی را برطرف کند که البته این امر هم نیازمند تصویب

<sup>۱</sup>Finance Credit & Resource Allocation Integration System and Optimal Consumption Model Reform (FCRAISOCMR)

<sup>۲</sup> Finance Credit & Resource Allocation and Consumption Ranking Design (FCRACRD)

قوانین در هیئت دولت، شورای عالی اشتغال، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صحن مجلس دارد.

۶- در مورد چالش ششم، باید به اصل عدالت در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی<sup>۱</sup> متناسب با شرایط مختلف مالی، مادی و تجهیزاتی کارگاه‌های مهارت‌آموزی، مربیان و هنرآموزان، مهارت آموزان و نوع رشته‌های آموزشی و مهارت‌آموزی طرفدار هر مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در تخصیص، توزیع و مصرف بهینه منابع که می‌تواند سند تحول مهارت‌آموزی مطلوب را محقق سازد توجه کرد.

۷- در مورد چالش هفتم، باید گفت: تدوین و ارائه یک برنامه نیازسنجی<sup>۲</sup> دقیق و متناسب با شرایط، موقعیت و وضعیت با مشارکت متخصصان برنامه‌ریزی منابع مالی و سایر صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی در خصوص نحوه تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی و مدیریت آن در طول سال، بسیار موردنیاز بوده و باید به آن به‌عنوان یک امر علمی و تخصصی نگاه کرد و آن را دنبال و اجرایی نمود.

در ادامه باید گفت: یکی از شیوه‌های اصلی در مدیریت اقتصاد اسلامی در مورد تخصیص اعتبارات و منابع مالی و سپس مصرف بهینه آن، توجه به اصل اعتدال و میانه‌روی<sup>۳</sup> از نوع پویا و پابرجا در همه امور از جمله تخصیص اعتبارات و منابع مالی و مصرف بهینه آن است. اسلام به تعادل در تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع در همه زمینه‌ها بخصوص مالی و درآمدی تأکید فراوانی داشته و همگان را از بخل و همچنین بریزوبپاش بر حذر داشته است.

اصل اعتدال و میانه‌روی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ایجابی الگوی مطلوب تخصیص اعتبارات و منابع مالی و مصرف بهینه آن بوده و یکی از ارزش‌های حاکم بر تمام رفتارهای اسلامی در همه عرصه‌ها است. لزوم اعتدال و میانه‌روی از آنجاست که نیازهای انسان گوناگون بوده و به علت محدودیت‌های منابعی و درآمدی، نمی‌توان همواره همه آن‌ها را به بیشترین مقدار ارضاء کرد. لذا برای کامیابی، باید به حد اعتدال و میانه‌روی رسید.

<sup>۱</sup>Justice Principle in Finance Credit & Resource Allocation and Consumption

<sup>۲</sup>Need Metrics Plan

<sup>۳</sup>Balance & Mediation Principle

حضرت علی (علیه‌السلام)، رمز کامیابی را در اعتدال دانسته است (صدوق، ۱۴۱۰).

در قرآن کریم، آیه شریفه ۶۷ سوره فرقان آمده است «... و کان بین ذلک قواما». حد مطلوب تخصیص منابع مالی و درآمدها را حد قوام دانسته و آن به معنای عدل و وسط است.

امام موسی کاظم (علیه‌السلام)، در تفسیر آیه فوق فرمودند: قوام یعنی پسندیده (همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: و به‌طور پسندیده بهره‌مندشان سازید فراخ‌دست به‌اندازه توان خود و تنگ‌دست به‌اندازه توان خود که این سزاوار نیکوکاران است). (کلینی، ۱۳۷۹).

«ویسئلونک ماذا ینفقون قل العفو»، «و از تو پرسند چه چیزی انفاق کنند، بگو مازاد (بر نیازمندی خود) را» (بقره/۲۱۹). مفهوم این آیه شریفه بر اساس روایت‌هایی که از اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده است، رعایت حد وسط و اعتدال است (کلینی، ۱۳۷۹).

بنابراین طبق اصل اعتدال و میانه‌روی باید گفت: اعتدال در نظام‌ها و سیستم‌های باز که با محیط بیرونی خود پیوسته در حال تعامل و تقابل هستند، از جمله نظام‌ها و سیستم‌های آموزشی همچون آموزش فنی و حرفه‌ای، اعتدالی پویاست که حالتی است که در امتدادی حفظ می‌شود و به سطح ثابتی بستگی ندارد و به عبارتی ضمن تغییر، دگرگونی، رشد و تحول در طول زمان با محیط و روابط بین اجزاء مختلف، وضعیت خود را حفظ می‌کند و اعتدال آن از نوع اعتدال پویا و پابرجا و میانه (حد وسط) است و اگر از حالت اعتدال خارج شود و به افراط و تفریط برسد، این مسئله باعث آنتروپی<sup>۱</sup> یا آنتروپی (زوال سیستم، نهاد و یا سازمان) در نظام آموزشی می‌شود. به عبارتی دیگر، مدیریت تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی، باید حالتی اعتدالی (متعادل)، همیشگی (پابرجا) و در حد میانه (حد وسط) باشد که در این صورت به‌عنوان میسانتروپیک<sup>۲</sup> یا نگانتروپیک (دوام سیستم، نهاد و یا سازمان) عمل می‌نماید و آنتروپی را خنثی می‌نماید. همچنین زیاده‌روی در تخصیص و مصرف منابع مالی و یا عدم تخصیص به‌موقع اعتبارات و منابع مالی و مصرف صحیح آن، به تدریج باعث ناکارآمدی و نابودی نظام مالی و بودجه‌ای در همه و سازمان‌ها از جمله سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان نهادی مهم در مهارت‌آموزی متقاضیان، کارآفرینی و اشتغال مولد و پایدار می‌شود.

<sup>۱</sup>Anthropic

<sup>۲</sup>Misanthropic



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 الگوی مفهومی نهایی (ثانویه) پژوهش  
 رتال جامع علوم انسانی

الگوی نهایی (ثانویه) پژوهش که برگرفته از آموزه‌های مدیریت اسلامی است، نشان می‌دهد که دوام هر نظام، سیستم و یا هر نهاد، سازمان یا مرکزی در زمینه تخصیص اعتبارات و منابع و مصرف بهینه آن، بستگی به اصل مدیریتی مهم اسلامی، یعنی به‌کارگیری اصل اعتدال و میانه‌روی در تخصیص اعتبارات و منابع موجود و سپس مصرف بهینه آن داشته و عدم اعتدال و میانه‌روی در تخصیص اعتبارات و منابع موجود و مصرف بهینه آن، باعث زوال و نابودی هر نظام، سیستم و یا هر نهاد، سازمان و مرکزی مانند مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای هم می‌شود.

## نتیجه‌گیری:

اعتبارات و منابع مالی در کنار منابع انسانی و منابع آموزشی سه مقوله دروندادی در نظام آموزش مهارتی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای‌اند که در مقوله منابع مالی، توجه به زیرساخت‌های موردنیاز مهارت پروری در کارگاه‌ها مهارت‌آموزی و تخصیص کافی و به‌موقع اعتبارات و منابع حائز اهمیت است. نظام آموزش مهارتی در سازمان فنی و حرفه‌ای نیاز به نیازسنجی و اولویت‌بندی مهارت‌ها، به‌عنوان اساسی‌ترین گام در تدوین و اجرای برنامه‌های مهارت‌آموزی و اجرای صحیح و مبتنی بر واقعیت است. میزان خطا در این بخش ارتباط مستقیم با عدم مهارت‌آموزی صحیح و یا عدم اشتغال مهارت‌آموزان در پایان دوره مهارت‌آموزی دارد. همچنین نیاز به مرکز مهارت جامع هست که از طریق کنترل برنامه‌های مهارتی از قبیل برنامه مهارتی هفتگی و استانداردهای آموزش مهارت، توان بین نیازهای بازار و فعالیت‌های مربوط به مهارت‌آموزی را برقرار کند و با فراهم آوردن موقعیت‌های مناسب برای مهارت‌ورزی مهارت‌آموزان به‌منظور آشنایی با محیط واقعی کار، شناسایی نقاط ضعف، چالش‌ها، قوت، راهکارها و مدیریت تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی نظیر: برنامه‌ریزی برای ایجاد درآمدها، تأمین بخشی از هزینه‌ها، نگهداری سوابق و مدارک مهارت‌آموزان، پیگیری و بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌محور مهارت‌آموختگان به دلیل حمایت‌های بعدی حائز اهمیت است. همچنین نیاز به شفاف‌سازی خواسته‌سازمانی از مریبان مرتبط و مبتنی بر بومی‌سازی خواسته بازار کار در کارگاه‌های مهارت‌آموزی و درنهایت همسویی خانواده‌ها و تشویق و ترغیب مهارت‌آموزان در پیشبرد اهداف مهارت‌آموزی موثراند. خروجی چنین فرایندی تربیت مهارت‌آموزانی است که توانایی ایجاد کسب‌وکار مستقل و پایدار مهارت‌محور رادارند و یا حداقل مجهز به یک مهارت موردنیاز جامعه و بازار کار متقاضی هستند.

امروزه به‌منظور تحقق ابزار مدیریتی، تهیه امکانات و تجهیزات، طراحی و تدوین مناسب اعتبارات و منابع مالی و اجرای موثر الگوهای مختلف تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی، مسئله تخصیص و مصرف اعتبارات و منابع مالی و مدیریت موثر در این حوزه، با توجه به کمبود شدید منابع عمومی و دولتی اختصاص داده‌شده به مراکز فنی و حرفه‌ای بسیار

مهم و حیاتی می‌باشد که در این بین شناخت و بررسی چالش‌ها، ارائه راهکارها و الگوهای مالی می‌تواند بسیاری از زوایای پنهان را روشن سازد. شناسایی، جذب، نگهداری، مصرف و توسعه منابع مالی در کنار استعدادهای انسانی از وظایف عمده سازمان‌ها و مدیران امروزی است. چشم‌انداز کنونی مدیریت منابع مالی در سازمان‌ها توجه خود را به سمت استعدادهای انسانی به‌عنوان امری حیاتی در دستیابی به مزیت رقابتی با استفاده از مهم‌ترین سرمایه‌های مادی، مالی و انسانی جلب کرده، که این امر مستلزم تغییر پارادایم به سمت توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مثبت نیروهای مختلف مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه مربیان و مهارت‌آموزان است. تا پیش از این در عرصه مدیریت، منابع مالی در کنار منابع انسانی بیشتر به رفع و ضعف و اشکالات توجه می‌شد ولی امروزه رفتار سازمانی مثبت‌گرا در بُعد مالی و هم‌انسانی در هزاره سوم مورد توجه قرار گرفته است و اگرچه وجود منابع مادی و سرمایه‌های مالی برای بهبود عملکرد توسعه همچنان ضروری است، اما با این حال زمانی که به‌تنهایی مورد توجه قرار می‌گیرند راهکار مناسبی به‌منظور بهبود عملکرد و توسعه عالی سیستم مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به شمار نمی‌آید. به‌دیگر سخن حل چالش‌ها و رسیدن به راهکارها و دستیابی به عملکرد عالی، تنها زمانی به دست می‌آید که در کنار منابع و سرمایه‌گذاری مالی به سرمایه‌گذاری روی منابع غیر سنتی و نامشهود سازمانی به‌ویژه سرمایه روان‌شناختی فراگیران همچون مبحث علاقه به کسب مهارت و مهارت‌آموزی مطلوب توجه کنیم. امروزه به‌منظور تحقق ابزار مدیریتی، تهیه امکانات و تجهیزات، طراحی و تدوین مناسب اعتبارات مالی و اجرای مؤثر الگوهای مختلف تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی، مسئله تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی و مدیریت مؤثر در این حوزه، با توجه به کمبود و محدودیت‌های منابع عمومی، دولتی و حکومتی اختصاص داده‌شده به سازمان و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای که با گستردگی روزافزون قلمرو وظایف و مأموریت‌های خطیر خود در حوزه‌هایی مانند کارورزی، کارآموزی، مهارت‌آموزی، کارآفرینی و اشتغال مولد و پایدار جوانان و متقاضیان مختلف از هر پایگاه و طبقه آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و از هر جنس و منطقه‌ای به‌طور روزافزونی مواجه است، بسیار مهم و حیاتی می‌باشد که در این بین، شناخت و بررسی چالش‌ها، ارائه راهکارها و الگوهای مدیریت اسلامی در خصوص امور اقتصادی و مالی همچون تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی می‌تواند بسیاری از زوایای پنهان را روشن



سازد و گام اصلی یعنی رسیدن به مسئله «مردمی نمودن اقتصاد آموزش فنی و حرفه‌ای» در قالب نهادینه نمودن، حل مسائل و مشکلات اقتصادی و مالی در سازمان و یا مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به وسیله مردم و اینکه خود مردم به صورت تعهدمدارانه و داوطلبانه بتوانند این مسائل و مشکلات را حل نمایند، محقق شود. در پایان مشخص شد که بین نتایج این پژوهش با نتایج پیشینه پژوهش، همخوانی نسبی وجود داشته و الگوی ثانویه (نهایی) تخصیص و مصرف بهینه اعتبارات و منابع مالی پژوهشگران حاضر که برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام و مدیریت اسلامی است، می‌تواند راهکارها و رهنمودهای بدیع و به‌روزی را برای مدیران و دست‌اندرکاران مالی و اقتصادی آموزش فنی و حرفه‌ای در این زمینه ارائه دهد که تأییدی بر فرض پژوهش حاضر است.

#### منابع:

- انتظاری، ی، محجوب، ح (۱۳۹۲)، انتخاب سازگار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، (۶۸)، ص ۶۸ - ۴۹.
- خلیلیان اشکذری، م، ج، آزادی، ه (۱۳۹۳)، منابع مالی و معیارهای تخصیص بودجه در دولت اسلامی، *مجله معرفت اقتصاد اسلامی*، دوره پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰).
- حسینی، س، ر (۱۳۸۸)، الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۴.
- صدوق، م، ۱۴۱۰ ق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: *موسسه الاعلمی*.
- کاوسی، ر (۱۳۹۶)، فرصت‌ها و تهدیدها آموزش های فنی و حرفه ای، *مجله رشد آموزش فنی و حرفه ای و کار و دانش*، دوره سیزدهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۵ - ۲۲.
- کلینی، م، ۱۳۷۹ ش، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا: بی نا.
- گزارش اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸. (EGHTESAD ONLINE)
- مرسلپور، م، جم، س (۱۳۹۷)، بررسی تحلیلی سیاست اقتصادی پیامبر (ص) در تخصیص منابع، *فصلنامه علمی - ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۴.

- مکارم شیرازی، ن(۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، تهران، انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مقصودی، ف(۱۳۹۷)، نقش آموزش های فنی و حرفه ای در اقتصاد کشور و توسعه کسب و کار، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۷۳، ص ۴۷-۴۰.
- مقیمی، س، م و همکاران(۱۳۹۷)، ارائه الگوی آموزش مهارت محوری برای توسعه کارآفرینی رسانه ای، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۷۰۰-۶۸۱.
- نگین تاجی، ز، زمان زاده، ا(۱۳۹۴)، تدوین الگوی بهینه بودجه بندی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، دوره نهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۴۱-۱۲۵.
- Bolina, P (1996), Financing Vocational Education and Training Developing Countries, International Project on Technical and Vocational Education. (UNEVOC), *UNESCO Publication*.
- Hoeckel, K (2008), Costs and Benefits in Vocational Education and Training (VET), (*EDU/EDPC/CERI (2008) 3, OECD Publication*).
- Leigh, P (2018), Managing Finance in Times of Budgetary Pressure and Uncertainty, *Focus Education*.
- Lynch, M (2016), New Model and Trends in Resource Allocation, *THE EDOVOCATE*.
- Odden, A. et al (2002), A Cost Framework for Professional Development, *Journal of Education Faineance*, 88(1),PP: 51- 74.
- Saadouli, N (2015), Optimal Allocation of Training Resources, *Journal Applied Business Research*, 31(2), PP: 531- 538.
- Zhaohui, C (2016), Key to Fair Education is Resource Allocation. *CHINA DAILY*.